

# از دواج در اسلام



## فهرست:

از دواج از دیدگاه اسلام.....	
از دواج در آئینه اسلام و روایات.....	
زندگی نجمی از دیدگاه اسلام.....	
بیمانه گنجهها.....	
تقدس خانه های اسلامی.....	
خدمت در منزل از چهار چوب دین.....	
تاثیر مال حرام از نظر دین اسلام.....	
تفاهم در خانه.....	
عادی شدن گناه.....	
تندخوانی از دیدگاه دین.....	
خود پیمانی.....	
تهذیب نفس از دیدگاه اسلام.....	
ناظر بودن ملائکه بر اعمال انسان.....	
اطاعت زن از شوهر.....	
خانه و حاکمیت قانون.....	
توافق در خانه.....	
محبت.....	
سوء ظن.....	
بدحجابی، اشاعه فحشاء از دیدگاه دین.....	
اسلام و تمایلات انسان.....	
غیبت - نهمت.....	
شهادت دنیا علیه انسان.....	
خفت از مرگ.....	
جهل تردید در اسلام.....	

## ازدواج از دیدگاه اسلام

همان طوری که یک انسان نان می‌خواهد، آب می‌خواهد و یک امر طبیعی است اگر خود نمی‌تواند تهیه کند دیگران باید تهیه کنند. همان طوری که **مخزن جنسی** یک حساب جداگانه ای از غراتز دیگر دارد، قرآن هم یک حساب جداگانه ای برای این مخزنه باز کرده است.

اسلام می‌فرماید: اجتماع! ازدواج باده. این صیغه جمع مربوط به اجتماع است. اول پدر و مادر و اگر پدر و مادر نمی‌توانند دولت اسلامی نمی‌تواند برای این کار موسسه و نهادی داشته باشد همه اجتماع موظفند.

جامعه اسلامی! باید پسر عزب را زن بدهد، عزبها را باید زن بدهد، شوهر بدهد. به فکر آینده اش هم نباشد خدا تامین می‌کند. اگر راستی توکل داشته باشی، اگر راستی بشتوانه ای مثل خدا داشته باشی، اگر توکلت خوب باشد، فعالیتت خوب باشد، به دستور اسلام عمل کنی غم فقر را هم نخوری، غم خرج و مخارج آن را هم نخور.

## ازدواج در آئینه اسلام و روایات

مرحوم صاحب وسائل، مردی که به همه مخصوصاً به مراجع تقلید حق بزرگی دارد در کتاب وسائل مشش روایت در این باره نقل می‌کند که در آنها **ثواب** عجیب و مهمی برای کسی که یک پسری را زن داده یا دختری را شوهر بدهد بیان شده است. روایات به اندازه‌های عالی است که انسان می‌بیند فضیلتی بالاتر از آن فضیلت نیست.

از موسی بن جعفر نقل شده است که در روز قیامت سه دسته زیر سایه عرش خدا هستند و یک دسته از آنها کسانی هستند که پسری را زن دهند. در این روایت می فرماید: در روز قیامت خدا نظر لطف دارد به آن کسی که شفاعت کند نما دخترى به شوهر برسد یا پسری به زن برسد. هیچ خانه ای، هیچ بنائی آبادتر، با فضیلت تر از آن خانه ای نیست که با ازدواج آباد شود.

جوانی که بتواند زن بگیرد اما نگیرد، آن زنی، آن دختر خانمی که بتواند شوهر کند اما نکند، ائمه ظاهرین فرمودند که پیامبر فرموده است: یعنی اگر کسی بمیرد و بی زن بمیرد و بی شوهر بمیرد، **پست ترین مرده ها** این مرده است

### زندگی تجملی از دیدگاه اسلام

زندگی تجملی آن است که اسلام نمی خواهد، آن است که اسلام کوبیده است و عالی کوبیده است. زندگی تجملی یعنی آن زندگی که انسان را از همه چیز باز بندارد. یعنی آن زندگی که انسان را پاینده کند نظیر ازدواجهایی که الان همه دخترها و پسرها و پدران و مادران را پاینده کرده است. ازدواج تجملی، خانه تجملی و خمرراک تجملی و پوشاک تجملی می خواهد و این از نظر اسلام غلط است. همین طور که اسلام می گوید: آقا! زن بگیر، خانم! شوهر کن، همین اسلام می گوید: تو اگر زن داری و احتیاج نداری دنبال زن دیگری نرو، زن موسی بگیر به اندازه ای که در رفاه و آسایش باشی خرج کن، اما تجملگرایی غلط است. و بعد هم قرآن می گوید همه در سرها از همین تجمل پیدا شده است. بدآ به حال قومی که به قول قرآن شریف زندگی تجملی داشته باشد و بدآ به حال آن فردی که زندگی تجملی داشته باشد.

## بهبانہ گیریها

اولین مانعی که در راه ازدواج است و روز به روز هم رو به ازدیاد است بهانه گیریهای است که از طرف دختر، از طرف پسر و با پدر و مادر و پسر پیش می آید. گاهی این بهانه گیریها منجر می شود که دختر سی سال داشته اما ازدواج نکرده باشد، پسر چهل سال داشته اما هنوز ازدواج نکرده است.

این بهانه گیریها در اسلام و در میان متمدنین بگونه ای و در میان غیر متمدنین به گونه ای دیگر است. یکی خانه می خواهد، داماد خانه ندارد. یکی زیبایی حسد در صفا می خواهد، دختر ندارد. یکی حسب بالا می خواهد برای او پیدا نمی شود. خود او از نظر حسب و نسب پایین است اما وقتی دنبال خواستگاری می رود سلیقه اش خیلی بالا است. و اینها موجب می شود که این مرد نتواند زن بگیرد و آن زن نتواند شوهر کند.

## تقدس خانه های اسلامی

از اسلام و روایات اهل بیت استفاده می کنیم آن خانه ای که در آن خانه الفت باشد، در آن خانه ای که خدمت به یکدیگر باشد، در آن خانه ای که نماز و روزه و یاد خدا باشد، در آن خانه ای که قرآن و دعا و راز و نیاز با خدا باشد، این خانه در نزد خدا با عظمت است؛ و پروردگار عالم خواسته است که این گونه خانه ها با عظمت باشد؛ با برکت باشد؛ برای اهل آسمانها بدرخشد نظیر ستاره ای که برای ما درخشانگی دارد. و بعکس، خانه ای که در آن **عداوت** باشد، **ناسازگاری** باشد، در آن خانه نماز و دعا نباشد، این خانه تاریک است؛ این خانه مبارک نیست؛ و شیاطین در آن رفت و آمد دارند و مورد نفرت ملائکه اند.

## خدمت در منزل از چهارجوب دین

**بهترین عبادتها در اسلام این است که زن خدمت کند، به شوهر یا شوهر خدمت کند، به همسرش.** در روایات می خوانیم آن خانمی که خدمت گذار شوهرش باشد، غذائی بپزد، ظرفی بشوید، سفرهای پهن کند، سفره ای بر دارد، پروردگار عالم **ثواب یک شهید** را برای او می نویسد. و همین طور اگر مردی خدمت کند در خانه تا همسرش کمتر زحمت بکشد، یا در خارج خانه زحمت بکشد تا زن بچه هایش در رفاه و آسایش باشند.

بدا به حال آن مردی که زنش از او راضی نباشد و بدتر از آن وای بر آن زنی که شوهرش از او راضی نباشد حتما جهنمی است. دیگر برگشت نخواهد در آن منزل نیست. دیگر فضل خدا، نسل مبارک و عمر مبارک در آن خانه نیست.

## تأثیر مال حرام از نظر دین اسلام

به شما بگویم اگر غذایی حرام در خانه آمد، اگر خورد و خوراک شما از راه ربا، از راه رشوه، از راه مال مردم و بالاخره مال حرام شد بدانید در این خانه ملائکه نیست بلکه جای آتش است. یعنی ملائکه می بینند که این خانه آتش گرفته است. چنانچه از نظر قرآن ملائکه آسمانها می بینند که این زن، و این بچه های بی گناه آتش می خورند. در روایات داریم که یکی از کسانی که در روز قیامت خیلی با بخت است آن کسی است که شبانه روز زحمت کشیده برای زن و بچه اش، اما در روز قیامت همین زن و بچه دشمن او هستند. با او دشمنی می کنند نفرینش می کنند. می گویند خدایا از او بازخواست کن **پول خمس** نداده را داد ما خوردیم این مال حرام به ما داد خوردیم و ما را قسمی القلم کرد خدایا تو از او بازخواست کن.

## تفاهم در خانه

اسلامی می گوید: در خانه به یکدیگر آفرین بگوئید؛ **تقصیر پذیر** باشید؛ مخصوصا به آقایان محترم که زیر بار نمی روند. اگر بیک وقت عصبانی شدید، که نباید بشوید، اگر بدگفتی که نباید بگوئی، وقتی غضبت بر طرف شد، فوراً عذر خواهی کن؛ فوراً **تقصیر** را به گردن بگیر؛ زیر بار برو. این زیر بار رفتن **بیک خودسازی** است. خانه باید برای ما **بیک مکتب** باشد. بهترین مکتبها، بهترین کتابهای اخلاقی، بهترین معلمهای اخلاق برای زن و مرد، مخصوصا برای خانمها، خانه است. اگر خدای ناکرده آقا بدی کرد و زیر بار نرفت عذر خواهی کند. تقاضا دارم از خانمها فوراً عذر خواهی کنند؛ قهر نکنند؛ فخر نداشته باشند؛ **اخم** نکنند؛ بی نشاط نباشند. قهر از جهنمهاست نه بهشتها. بی نشاطی و اخم کردن از اهل جهنم است. اگر یکی از زن و شوهر زیر بار نرفت و عذر خواهی نکرد **نو** **تقصیر** را به گردن بگیر و عذر خواهی کن.

اگر می بینی که نزاع تمام نمی شود برای این است که کوتاه نمی آئیم؛ یا هر دو یا یک نفر و اگر بهشت می خواهی کوتاه بیا.

زن شایسته دو صفت دارد: یکی **متواضع** است در مقابل شوهر ولو شوهر **تقصیر** داشته باشد و دیگر این که **عفت** دارد چه در خلوت چه در جلوت چه در مقابل شوهر چه در غیاب او. بد حجاب نیست ولو پیش خویشان شوهرش، پیش نامحرم، ولو پیش برادر شوهرش، عفت دارد. و همان جا هم که شوهرش نیست بد حجاب نیست.

قرآن شریف می فرماید: در خانه اختلاف نداشته باشید. ابهت و شخصیت شما را از بین می برد. و اگر خدای ناکرده زن در مقابل شوهر و شوهر در مقابل زن رویشان به هم باز شد دیگر ابهت و شخصیت پیش یکدیگر را ندارند. و بدا به حال آن مردی که در خانه ابهت و شخصیت نداشته باشد. بدا به حال آن خانمی که حکومت بر دل شوهر نداشته باشد. بدا به حال آن خانه ای که در آن نشاط نباشد.



اسلام می فرماید: نزاع و اختلاف به اندازه ای خطرناک است نظیر کسی که لب  
پرتگاهی از وادی جهنم نشسته باشد. حال اینجا وادی جهنم ندارد شما در دامنه کوه  
نشسته باشی و بینی که دره پر از آتش شعله ور است. نگاه کنی بینی این سنگ زیرش  
خالی است و الان می افتد و به قعر این وادی آتش فرو می افتد.

### مادی شدن گناه

از چیزهایی که موجب می شود عنایت خدا از شخص، از خانه برداشته شود **گناه**  
در خانه است. گناه اقسامی دارد به یک اعتبار: به **گناه کبیره و صغیره** تقسیم می شود. به  
اعتبار دیگر به **گناه مداوم و غیر مداوم** تقسیم می شود. گاهی یک گناهی از انسان سر  
می زند نظیر این که العیاذ بالله دروغی می گوید. این کار بدی است و باید توبه کند. ولی  
یک دفعه **گناه مداوم** است. یعنی هر روز دروغ می گوید؛ هر روز غیبت می کند؛ هر روز  
ظلم می کند. این **گناه مداوم** خطر دارد خطرش به اندازه ای است که قرآن می فرماید:  
افرادی که **گناه مداوم** دارند اینها متوجه باشند که دست از همه چیز برمی دارند و  
کارشان به این جا می کشد که دیگر منبر و محراب و روحانیت را خرافه به حساب می  
آورند و تکذیب می کنند.

یک تقسیم دیگری هم در **گناه** است که **گناه گناهی ابهتش در دل است مثل این که یک**  
**نگاه شهوت آمیز به نامحرم می کند یک تلاطم درونی برایش ایجاد می شود. یک غیبتی**  
**یک دروغی می گوید اما فوراً تلاطم درونی پیدا می کند.**

همین **ابهت گناه در دلش است. اما گناهی همین ابهت گناه در دلش می رود. و گناه**  
**مداوم از این نوع است که ابهت گناه از دل می رود. و اگر ابهت گناه از دل رفت از گناه**  
**مداوم بدتر است. زیرا در گناه مداوم ممکن است موفق به توبه بشود اما اگر ابهت گناه از**  
**دل رفت دیگر موفق به توبه شدن کار بسیار مشکلی است.**

## تند خونی از دیدگاه دین

اولین چیزی که محبت را از خانه می برد و شیشه محبت را می شکند تند خونی است. اختلاف، تندی، پرخاشگری شیشه محبت را زود می شکند. اگر زن در مقابل شوهر زبان دواز باشد، پرخاشگر شد همان جمله اولش یک ضربه به احساس مرد می زند. اگر مرد تند خو شد همان فریاد او، در مرتبه اول یک ضربه به محبت می زند و اگر خدای نکرده این تند خونی از طرف هر دو ادامه پیدا کند قطعاً شیشه محبت شکسته می شود. و محبت به نفرت مبدل می شود. مخصوصاً اگر در تند خونیها و پرخاشگریها زخم زبان باشد والعیاذ بالله کسی را به رخ هم بکشند.

## خودپسندی

دیگر از چیزهای که محبت در خانه را از بین می برد منیت و خودپسندی است. اگر زنی خودپسند بشود، مردی متکبر و خودپسند باشد، گفتار و کردار خود را بیسند و وضع خطرناکی به همراه دارد. و ما باید بدانیم افراد خود پسند و وضعشان به اندازه ای خطرناک است که قرآن شریف می فرماید: فریاد پیامبران از انسانهای خودپسند بلند بوده است اینها مانع کار انبیاء بودند. خودشان که زیر بار نمی رفتند هیچ مانع کار انبیاء هم می شدند. خود پسندی تکبر، خود محوری به اندازه ای خطرناک است که اسلام می فرماید: اگر کسی خودپسند باشد، اگر کسی العیاذ بالله خود محور و متکبر باشد افعال و صفاتش ردیله اش در هویت و ذات او اثر می گذارد و بک آدم خودپسند و سرکش می شود و به اندازه ای سرکش می شود که در روز قیامت در مقابل خدا هم خودپسندی می کند. وضع آدمهای خودپسند، متکبر و خود محور در روز قیامت این است که وقتی آنها را به صف محشر می آورند خودشان را خوب می دانند ولی حقیقتاً جهنمی هستند.

## تهذیب نفس از دیدگاه اسلام

یکی از مهمترین فواید تهذیب خانواده تهذیب نفس بلکه مقام تخلیه است. یعنی مرد و مخصوصاً زن می توانند در خانه تهذیب نفس کنند. بلکه می توانند خود را مترین به فضائل کنند. یعنی علاوه بر مقام تخلیه، مقام تحلیه هم پیدا کنند. از نظر علمای اخلاق رسیدن به این دو مرحله کاری است بسیار مشکل. یعنی کسی بتواند صفت رذیله ای را از خود ریشه کن کند و درخت فضیلت را در خود غرس کند و یک صفتی از صفات انسانی در خود ایجاد کند و این کار بسیار مشکلی است. معمولاً انسانها نمی توانند از این منازل بگذارند زیرا فعالیتی در این مورد ندارند.

قرآن می فرماید: معمولاً انسانها از گردنه ها نمی توانند بالا بروند. این گردنه ها، گردنه های سختی است. انسان بتواند خود را آزاد از صفات رذیله کند، بتواند یک صفت رذیله را که در او هست ریشه کن کند لااقل جلوی طوفانی بودن آن را بگیرد این کار مشکلی است. و با تحصیل آن به مقام دوم یا منزل دوم می رسد. یعنی علاوه بر اینکه درخت رذالت را ریشه کن کند درخت فضیلت را هم به جای آن غرس کرد کاری است مشکلتر. انسان بتواند جنز و فزع را از دل ریشه کن سازد و به جای آن ملکه صبر پیدا کند مشکل است به طوری که علمای اخلاق می گویند یک کار شبانه روزی می خواهد، یک کار مستمر می خواهد. حتی می گویند نفس اماره نظیر فیل است. یعنی همان طوری که فیلبان باید مرتب چکش روی سرفیل بزند، مواظبت از آن بکند و نا لحظه ای غفلت، فیل نمود و صاحبش را بیچاره می کند، نفس اماره و صفات رذیله اینگونه است. رحمت شبانه روزی می خواهد. تا انسان بتواند یک صفت از صفات رذیله را ریشه کن کند. تا بتواند خود را خالی از یکی از رذائل کند. و بدانید که تمام انبیاء با کتابهایشان برای همین آمده اند. و خانواده این گنه است که زن برای مرد، مرد برای زن و هر دو برای بچه ها و بچه ها برای هر دو، دو کاره اند.

## ناظر بودن ملانکه بر اعمال انسان

علاوه بر این، بدان که بسیاری از ملانکه مقرب و غیر مقرب خدا حاضر و ناظر گفتار و کردار تو هستند. یکجا قرآن می فرماید: دو ملک ناظرند تا کارهای خوب و بد تو را بنویسند. یعنی مرتب در مقام پرونده سازی هستند.

هیچ نمی گویی، هیچ نمی کنی مگر اینکه دو ملک موکل تو، یادداشت می کنند و این پرونده عمر در روز قیامت باز می شود. این پرونده در روز قیامت باز می شود. خواه تو سواد داشته باشی یا نداشته باشی. معلوم می شود در روز قیامت همه و همه با سواد می شوند. علاوه بر این دو ملک، ملانکه مقرب خدا نظیر جبرائیل، میکائیل، اسرافیل، عزرائیل و حمله عرش نیز ناظر گفتار تو، ناظر کردار تو و ناظر رفتار تو هستند. یعنی در آن نامه عملی که تو داری هر چه در دنیا کرده ای ثبت شده است، و در روز قیامت ملانکه مقرب خدا روی آن شهادت می دهند؛ و کسی می تواند روی پرونده شهادت بدهد که حاضر و ناظر قضا یا باشد؛ ناظر مطالب باشد. این آیه شریفه می فرماید: ملانکه مقرب خدا در روز قیامت، له شما یا علیه شما شهادت می دهند. این آیه شریفه به ما می فهماند و زنگ خطر می زند که: مواظب باش! بر همه گفتارت، بر همه کردارت، حتی بر همه افکارت، حضرت جبرئیل، اسرافیل، عزرائیل، میکائیل و حمله عرش نظارت دارند؛ یعنی در محضر اینها هستی. از این جهت در روایات می خوانیم که تمام اعمال ما، گفتار و کردار ما در محضر حضرت عزرائیل است. آن افرادی که نماز اول وقت می خوانند، آن افرادی که به نماز به محراب مسجد اهمیت می دهند، عزرائیل در وقت مرگ با آنها مداوا می کند. تلقین شهادتین می دهد. اما افرادی که اینگونه نیستند، دم مرگ بر آنها سخت گیری می کنند. اگر کارهای ما خیر باشد عزرائیل از ما راضی است؛ و دم مرگ به فریاد ما می رسد.

## اطاعت زن از شوهر

از دیدگاه اسلام اطاعت و حرف شنوی زن از مرد بیک امر طبیعی است. و اگر زن از مرد اطاعت نکند، گوش شنوا نداشته باشد خلاف طبیعت عمل کرده است. ریاست خانه با مرد است برای اینکه مرد بیک وجود تعلقی است و ریاست حق اوست و برای اینکه مخارج خانه به عهده اوست. اهل خانه باید از مرد خانه اطاعت کنند. زن باید مطیع شوهر باشد. اگر خانم حرف شنو نباشد مصیبتها جلو می آید. اگر فرزندان در خانه از پدر حرف شنوی نداشته باشند مصیبتها پیش می آید. اگر اتحاد می خواهند، اگر سر و سامان در خانه را می خواهند باید از پدر اطاعت کنند و خانم هم باید از مرد اطاعت کند و صمد در صمد حرف شنو باشد که این حق مرد است.

حق دیگر مرد قضیه مباشرت است. در این باره نیز زن باید مطیع شوهر باشد. برای اینکه زن موجود عاطفی است و وجودش به گونه ای است که باید تواضع کند و از این جهت قرآن زن شایسته را آن می داند که دو صفت داشت باشد: زن شایسته آن است که در مقابل شوهر متواضع باشد؛ زبان دراز نباشد؛ سر به زیر باند و مواظب غفش باشد چه در خلوت و چه در آشکارا. البته مرد هم وظیفه ای دارد و انجام آن حق طبیعی زن است. باید خانم‌س و بیچه هایش را در جریان هر کاری قرار بدهد و با آنها در هر کاری مشورت کند.

## خانه و حاکمیت قانون

در خانه نمی شود قانون حکمفرما باشد. زیرا خانه از هم پاشیده می شود. اگر قانون جلو آمد کار خراب می شود. مثلاً حق مرد این است که می تواند به زنش بگوید از خانه بیرون ترو. زیرا این حق اوست. و زن باید اجازه بگیرد و از خانه بیرون برود. این حقی است که اسلام برای مرد قرار داده است.

خانه باید محیط رفاقت باشد نه محیط اعمال قانون و تحمیل. آقایان و خانمها نباید از قانون سوء استفاده کنند که از نظر اسلام صحیح نیست.

## توافق در خانه

نمی شود توافق بین زن و شوهر یا عروس و مادر شوهر حتی دختر و مادر، پسر و پدر صد درصد باشد. بک اختلاف سلیقه های در میان است و خواه و نا خواه بک اختلافی پیش می آید. انسانها از افراد بک نوع نیستند هر انسانی بک نوع مستقل است. اختلافها سبب شده است که انسان را نوع منحصر به فرد بدانند. اگر بین بک زن و شوهر توافق اخلاقی هفتاد درصد باشد باید خیلی شکر کنند که ما نعمت بزرگی داریم. آنچه ما معمولاً از آن غفلت داریم این است که توافق اخلاقی صد درصد محال است. بسیاری از ما بلکه همه ما غفلت داریم که اگر توافق اخلاقی هفتاد درصد باشد بسیار عالی است و نعمت بزرگی از طرف خدا به ما داده شده است.

## محبت

اول چیزی که می تواند اختلاف را از بین ببرد محبت است. اگر محبت بین زن و شوهر، عروس و مادر شوهر، دختر و مادر حکمفرما باشد دیگر اختلاف اثری ندارد و تحت الشعاع محبت واقع می شود.

یعنی اگر کسی را دوست داشته باشید بدنی او را نمی بینید؛ بدیهایش را نمی توانید به زبان بیاورید یا بشنوید. اگر محبت به کسی داشته باشید تا می توانید توجیه می کنید. اگر کسی بدی او را گفت ولو مطابق با واقع بگوید نمی پذیرید و دفاع می کنید. حتی وقتی تصور می کنید که این اخلاق بد را دارد خود را ملامت می کنید. یعنی اگر کسی چشم محبت به دیگری داشته باشد همه بدیهای او را می پوشاند. خانم به شوهرش محبت دارد اگر کسی بدی شوهرش را بگوید دفاع می کند و نمی تواند بدی او را بشنود. در روایات می خوانیم اگر خانمی بک آبی به شوهرش بدهد پروردگار عالم ثواب بک سال عبادت به این زن می دهد. خوب این آب دادن که انقدر ثواب ندارد. این برای این است که می خواهد زن را شوهردار بار آورد. اگر مردی زحمت بکشد برای اینکه زن بوجه اش در رفاه باشد مثل این است که در خط مقدم جبهه باشد.

اگر زنی بر اذیت شوهر صبر کند، ساکت باشد، سر به زیر باشد، اگر سردی صبر کند بر اذیت همسرش یعنی گذشت و فداکاری داشته باشد این زن، این مرد مقامش در بهشت با حضرت ایوب برابر است. مواظب حرفهایشان در خانه باشید، زیرا این حرف است که ایجاد محبت می کند و با محبت را از بین می برد.

## سوء ظن

سوء ظن به دیگران یک مرتبه از **حق الناس** است. یعنی انسان به مردم بدبین باشد. حالا این بدبینی خانم به شوهرش باشد یا شوهر به خانمش؛ این سوء ظن راجع به ناموس باشد، راجع به مال باشد، راجع به چیزی عرفی باشد، یا هر چیز دیگر. بدبینی یا بدگمانی گناه بزرگی است.

قرآن شریف می فرماید: سو ظن به دیگران پیدا می کنی. انقدر هم بی حیا هستی که به زبان هم می آوری. خیال می کنی کار کوچکی کردی. در حالی که این گناه بزرگی است در پیش خدا.

بدگمان مباش، از تخیل ها پیروی نکن. از توهم ها پیروی نکن. برای اینکه در روز قیامت از چشم تو، از گوش از دل تو، سوال می شود. و گوش و دل تو علیه تو جواب می دهند. یعنی آدم بدگمان، در روز قیامت، دلش علیه او شهادت می دهد. چنانچه اگر چیزی گفته باشد، زبان او علیه او شهادت می دهد.

بعضی اوقات این سوء ظن مفسده ها بار می آورد مثلاً شما می بینید شخصی دارد کسی را نگاه می کند، سوء ظن می بری که نگاه به نامحرم می کند. به این هم اکتفا نمی کنی. نفسیقی می کنی؛ شيطان هم که به کم قانع نیست. این سوء ظن تو کم کم گناه روی نگاه بعد هم می گوی که اصلاً مسلمان نیست! زن و شوهر ها نباید به هم سوء ظن داشته باشند، که این گناه بزرگی است و ممکن است منجر به طلاق بشود.



## بدحجابی. اشاعه فحشاء از دیدگاه دین

یک دفعه یک خانمی یک بدحجابی در عروسی داشت اما خود متوجه است که این بدحجابی با است وقتی هم عروسی تمام می شود توبه می کند. گریه می کند. تلاطم درونی پیدا می کند. اما یک وقت این بدحجابی کم کم برای او عادت می شود. و کارش به جایی می رسد که با فرضی که عفت دارد، بی عفت نیست؛ با فرضی که از لفظ زنا ناراحت می شود، بدش می آید. اگر بشود کسی این کار را کرده سرزنشش می کند و ناراحت می شود که چنین کار زشتی را کرده است. اما همین خانم کار بالاتر از زنا می کند. یعنی این خانم العیاذ بالله روباژه زینت کرده، با پیراهن آستین کوتاه و جوراب بدن نما می آید. در مغازه و با صاحب مغازه می گوید و می خندد. این کار از زنا بدتر است. بدتر بودنش هم از نظر قرآن برای این است که اشاعه فحشاء از خود فحشاء گناهش بزرگتر است.

آن کسانی که اشاعه فحشاء می کنند، دوست دارند که اشاعه فحشاء بشوند. مثل این که جوانی دوست دارد به زن نامحرم نگاه کند، کاسب با زن نامحرم شوخی کند، یا العیاذ بالله در روی یک، بگر بخندند، قرآن می گویند. این دوستی اشاعه فحشاء و تا عذاب دارد یکی در دنیا دست و پاگیرش می شود، به مکافاتش می رسد، یکی هم در آخرت باید به جهنم برود.

آن که زنا می دهند و یا زنا می کنند اینها باید جهنم بروند؛ همیشه هم تسوی جهنم باشند و در جهنم هم سرافکننده و خوار هستند. در روایات می خوانیم آن که زنا بدهد یا زنا کند عورتین او در جهنم به اندازه ای بوی گند می دهند که جهنمیها را آزار می دهند. اما بالاتر از زنا دادن یا زنا کردن اشاعه فحشاء است.

## اسلام و تمایلات انسان

اسلام واجب می‌داند که ما تمایلات و غرایز خود را باید ارضاء کنیم. نفس‌گشی در اسلام حرام است و این در روایات فراوانی آمده است که انسان حق ندارد تمایلات خود را سرکوب کند. قرآن می‌فرماید: یکم مسلمان همان طور که باید به فکر آخرتیش باشد باید به فکر دنیایش هم باشد. از آنچه از مال، از قدرت و عقل، از سلامتی و امنیت به تو دادند برای آخرت خود استفاده کن اما مواظب باش دنیای خود را فراموش نکنی. یکم بعدی نمی‌توانی باشی همان طوری که فرو رفتن در دنیا غلط است نمی‌توانی عمرت را، عقل و سلامتی و مال را صد در صد در آخرت مصرف کنی. همان گونه که به فکر آخرتی باید به فکر دنیا هم باشی.

در صدر اسلام و همچنین در زمان ائمه ظاهرین گاهی این فکر انحرافی برای بعضی‌ها پیدا می‌شود. یعنی بعضی گمان می‌کردند که باید شبانه روز به فکر آخرت باشند، باید دنیا را رها کنند، باید اعتنا به تمایلات و غرایز نداشته باشند. اما وقتی این فکر به پیغمبر و ائمه ظاهرین می‌رسید آن را می‌کوبیدند.

## غیبت - تهمت

آن که متاسفانه باید بگویم این است که کم است فردی یا خانه ای که مبتلا به غیبت، تهمت، شایعه و دروغ نباشد و اینها گناه بزرگی است. عیب جوئی در رو یا پشت سر به اندازه ای گناهش بزرگ است که قرآن می فرماید: وای به آن کسی که در رو عیب جوئی می کند. بدان یا این کار تو را به جهنم می برند و در سلول جهنم می گذارند آنجا باید بسوزی و بسازی. آن آتشی که نه فقط پوست می سوزاند، استخوان هم می سوزاند. آتشی که استخوان می شکند.

غیبت نان خورش سگهای جهنم است. معنای روایت این است که خانم! آقا! غیبت روی غیبت، برای تو ملکه می سازد. غیبت تو را از صورت انسانی به سنگ تبدیل می کند. این سنگ جهنم می رود و در آنجا غذا می خواهد و غذایش بنا به روایت امام حسین و امام سجاد همان غیبتی است که در دنیا کرده است. یعنی گوشتهای گندیده شده، همان گوشتهای گندیده آتشین را در جهنم می برند و این سگهای جهنم باید بخورند. بدتر از غیبت کردن، تهمت به دیگران زدن است. یعنی چیزی که در دیگران نباشد پشت سر او یا در روی او بگویند. فرقی با غیبت این است که وقتی پشت سرش عیبش را می گویند غیبت است. اما یک وقت به صفت بدی که ندارد پشت سر او می گویند که این تهمت است. و اگر کسی را سوزنش کنید، زخم زبان و به لسان عربها کمزه گویند.

با یک تاکید خاص می فرماید: آن کسانی که تهمت به یکدیگر می زنند اینها مسلمان نیستند. و امام صادق می فرماید: آن کسانی که تهمت به یکدیگر می زنند در یک تل چرک و خون اینها را نگاه می دارند. پنجاه هزار سال باید روی این تل چرک و خون بایستند حساب مردم امام می شود و بعد از این رسوائی او را به جهنم می برند و در آتش می اندازند.

## شهادت دنیا علیه انسان

توجه دیگری که باز در همین زمینه تفکر باید داشته باشیم، این است که علاوه بر خدا و یغمر و ائمه ظاهرین و ملانکه مقرب خدا، در دیوار زمان و مکان حاضر و ناضر اعمال ما و گفتار ما هستند؛ و این یکی از شاهکارهای قرآن است. ما از قرآن استفاده می‌کنیم که عالم زنده است؛ عالم شعور است. اگر ما سمیع و بصیر و بیوش باشیم، متوجه می‌شویم که در دیوار هوشیاران؛ توجه می‌کنیم که زمان و مکان زنده اند.

اینگونه چیزها را علم هم نمی‌تواند اثبات کند؛ حتی علم فلسفه و عرفان هم نمی‌تواند به ما بگوید که مثلاً ماه مبارک رمضان زنده است یعنی چه؟ این زمینی که روی آن نشسته ایم هوشیار است یعنی چه؟ این ستونها، این سقف، این بلندگویی مقابل من، این لامپهای بالا سر من و بالاخره همه این عالم شعور دارند، به چه معنا است. علم نمی‌تواند اثبات کند.

در روایات می‌خوانیم که روزها و شبها در روز قیامت به نفع انسان یا علیه انسان شهادت می‌دهند. یعنی روز دوم ماه مبارک رمضان، در روز قیامت شهادت می‌دهد که در مصلی نماز جماعتی بودی، منبری بودی، گفتاری بودی، آن گفتار آیا برای خدا بود یا نه، شهادت می‌دهند؛ و بالاخره ثواب بود یا گناه، شهادت می‌دهند. و در خصوص مکانش، قرآن در سوره زلزله می‌فرماید: زلزله عجیبی به پا می‌شود. به واسطه آن زلزله روز قیامت شده، همه مردم در محضر خدا جمع می‌شوند. و در آن زمان زمین علیه انسان شهادت می‌دهد. یعنی اگر دو نفر در ماه مبارک رمضان غیبت کسی را کرده باشند، آن زمین علیه آن دو نفر شهادت می‌دهد. اگر خدای ناکرده در اطاعتی عمل منافعی با عفت شده، همان زمین و رختخواب و فرش و تخت علیه آن زن و مرد شهادت می‌دهند. انسان وحشت زده می‌شود؛ با زمین حرف می‌زند؛ به زمین می‌گوید: چرا بر ضد من شهادت می‌دهی؟ زمین می‌گوید: خدا به من می‌گوید بگو، من هم می‌گویم.

## غفلت از مرگ

همه ما میدانیم که می میریم اما غفلت از این مردن، غفلت از قبر، غفلت از قیامت، غفلت از جهنم، غفلت از نعمتهای بهشت داریم. این غفلتها ما را بیچاره می کند. انسان باید در شبانه روز یک مرتبه، دو مرتبه، سه مرتبه، در خود فرو رود. به فکر مرگ باشد.

در روایات می خوانیم که: قبر هر روزه ما را صدا می کند. در این عالم غوغایی است؛ ما نمی شنویم. اگر گوش شنوا باشا. هر روز صدای قبر را می شنویم. قبر صدا می کند صاحب من! من خانه تاریکم برای من نوری بفرست. من ما و عقرب دارم. این اعمال زشت تو ما را و عقرب شده است چیزی بفرست. یعنی توبه و انابه ما و عقرب را می کشد. من بی فرشم برای من فرشی بفرست. و بالاخره قبر مرتب ما را صدا می کند. می آئی در آغوش من. مواظب باش! برای این خانه فکری کن این خانه را آباد کن. آیا دودی بالاتر از این است که ما به فکر آباد کردن خانه دنیایی خود هستیم؟ به فکر رنگ کردن خانه و نظافت آن هستیم.

در روز قیامت انسان می گوید: خدایا! پسر، همسر، برادر، تمام دارائیم، تمام افراد روی زمین، گرفته شود تا من رها شوم. خطاب می شود: کلا نمی شود. تویی و عملت. اگر عملت خوب است (سعادت) و اگر عملت بد است (سقاوت). روز قیامت روز سختی است. بعضی اوقات انسان از رسوائی عرق می کند. تا چانه او را عرق می گیرد. غفلت از روز قیامت نکنیم؛ غفلت از جهنم و از عذابها، غفلت از بهشت و نعمتهایش. در روایات می خوانیم یکی از حسرتهای اهل جهنم این است که هنگام رفتن به جهنم به بهشت نگاه می کند. می بیند قصری در بهشت دارد اما بی صاحب است؛ حواری العین دارد اما بی همسر است؛ باغ دارد اما بی صاحب است. این باید در جهنم بسوزد اما آن قصرش و حواری العین و همسرش و باغش بی صاحب باشد.

## جهل تردید در اسلام

شک و تردید مانند خاری در روح انسان را اذیت می‌کند. یک کاری بکنید که حال شک و تردید نداشته باشید؛ مخصوصاً راجع به دین و راجع به اعتقاد. اعتقاد شما باید پا بر جا باشد. اعتقاد به هر چیز اگر انقلابی هستی، راستی انقلابی باش. اینکه چه کرد و چه شد، امسال چه شد، سال گذشته چی. اینها نتوانند تو را تکان بدهند. اگر محبت دارید مثل کوه باشید. و اراده قوی داشته باشید تا به واسطه اراده قوی، بتواند در کارهایتان تصمیم‌گیری کند. عقیده عالی داشته باشید تا به واسطه عقیده عالی، مثل کوه باشید و هیچ چیزی نتواند شما را تکان بدهد تا انشاء الله دم مرگ، اگر شیطان و تمام دنیا پشت به پشت هم بدهند نتوانند شما را حرکت بدهند.